

سید ابوالحسن حافظیان «استاد مسلم علوم غریبه» (۱۲۸۲ ش - ۱۳۶۰ ش)

علامه محمدرضا حکیمی

شرح و تفسیر لوح محفوظ، صص ۲۳ - ۱۱

از انسان‌های ممتاز و بسیار کم مانند روزگار، مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن حافظیان مشهدی است. وی در مشهد در خاندان سیادت و تقوی، دیده به جهان گشود. در آغاز تحصیل به فراگرفتن ادبیات، ریاضی، طب قدیم، نجوم، هیئت، فقه و اخلاق پرداخت، لیکن بزودی وارد ریاضت و تحصیل علوم غریبه گشت، و از برخی استادان بزرگ بهره‌مند گردید.

مرحوم حافظیان، در حوزه‌ی مشهد، با کسانی چند دوست گشت، از جمله مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی. و همین دوست بود که با ذکر مقامات و کرامات و علوم سید موسی زرابادی، وی را متوجه آن عالم عامل و مربی کامل کرد. و همین چگونگی باعث گردید تا آقای حافظیان به دلالت و همراهی حاج شیخ مجتبی قزوینی به قزوین مسافرت کند، و به محضر حضرت سید نیز برسد و به کسب مسائل و مراحل بس مهم‌تر از آنچه تا آن هنگام بدان رسیده بود نایل آید.

مرحوم آقای حافظیان از ریاضت‌کشان بزرگ و متعبد به سلوک شرعی بود، و سال‌ها در یکی از حجره‌های فوقانی صحن عتیق رضوی (صحن انقلاب)، حجره‌های رو به قبله، در سمت شمال شرقی، به عبادات و ریاضات اشتغال ورزیده بود. وی از بزرگان اهل نفس و دعا، و استاد مسلم علوم غریبه بود. از آثار ایشان، یکی «لوح محفوظ» است و دیگری کتابی در شرح آن و نیز لوح «جَنَّةُ الاسماء»، که گمان نمی‌رود کسی تا کنون این لوح را به این صحت و کمال و زیبایی نوشته باشد. درباره‌ی رموز علمی و خواص روحانی این الواح باید در جای خود سخن گفته آید.

مرحوم آقا، به خواهش یکی از دوستان [۱] شرحی بسیار کوتاه درباره‌ی زندگی خویش - با قلمی ساده و صمیمی - مرقوم داشته است. خوب است بخشی از آن نوشته را در اینجا بیاورم (با تغییری و توضیحی اندک):

«سید ابوالحسن حافظیان، در سال ۱۳۲۲ هجری (قمری) در مشهد مقدس پیدا شد. قبل از بلوغ به مقدمات، صرف و نحو، ریاضی، طب، نجوم، هیئت، فقه و اخلاق نزد اساتید مشغول گردید. از دیدن بعضی اعمال از پدر [۲] به ریاضت و عملیات (ریاضتی) شوق وافر پیدا نمود. به سفارش پدر، حاج

شیخ حسنعلی اصفهانی - طاب ثراه - او را به شاگردی خود، به ریاضات، قبول فرمود. مرتب روزها برای تحصیل علم در «مدرسه‌ی میرزا جعفر» (در ضلع شرقی صحن عتیق رضوی - صحن انقلاب)، و شب‌ها در حجره‌ی فوقانی صحن عتیق، جنب ایوان عباسی، مقابل «بقعه‌ی مطهره» به عبادات و ریاضات اشتغال داشت ... به تدریج شهرت تامی در بین خواص و عوام پیدا کرد. از دعوات و عملیات روحانی او عوام و خواص بهره‌مند می‌شدند.

مدتی به خدمت حاج سید مظهر حسین هندی نیز مشغول بود. وی در اواخر عمر (در مشهد)، در گوشه‌ی صحن نو (صحن آزادی فعلی)، حجرات فوق آب انبار (در ضلع جنوبی) را منزل خود قرار داده بود، و مشغول به ریاضت‌های شرعی بود ...

در سال ۱۳۴۷، باتفاق مرد بزرگ، حاج شیخ مجتبی مدرس قزوینی - طاب ثراه - برای ملاقات و زیارت استاد بزرگ و سید جلیل، حضرت سید موسی زرابادی - طاب ثراه - به قزوین مسافرت نمودند ... آنچه در مدت گذشته به آن موفق شده بود، گویا مقدمه بود از برای رسیدن به آن سید بزرگوار، بعد از آن، به ترقیات کاملی موفق گشت، صاحب مکاشفات و ضمیری روشن شد، و قوه‌ی ارادی او قوی گردید، که آثار و علائمش بر همه ظاهر گشت. سالی یک‌مرتبه به سفر به قزوین موفق می‌شد.

به سال ۱۳۵۱ هجری (قمری) به هندوستان مسافرت نمود، و تا ده سال و شش ماه به ایران مراجعت نکرد. سیاحت کاملی از هر گوشه و کنار هند نمود. از مرتاضین مخصوص هند، در شهرهای مخصوص مرتاضین (هردوار و ...) در کنار دریای گنگا (گنگ)، که دریای مقدس هندوهاست دیدن کرد. در هردوار، در آب گنگا غسل کرد، در بت‌خانه - پشت به بت و رو به قبله - نماز خواند، و بعد از نماز به صدای بلند و لحن عربی، قرآن قرائت کرد. مرتاضین زیادی استماع کرده و متأثر شدند ...

در شهر سیرینگر کشمیر [۳] برای شیعیان، در محله‌ی گرو بازار، مسجد مختصری ساخت که بسیار مورد احتیاج بود. در دامنه‌ی کوه ترال کشمیر، کوه‌ها و آبادی‌های زیادی است که قبله را نمی‌دانستند. بر بالای کوه «صوفی پوره» برجی مربع از سنگ ساخت که از هر طرف قبله مشخص شده است. در آن جا نوشته است: «۲ رکعت نماز بخوانید، حاجت از خدا بخواهید». در این ایام، از اطراف، هر کس هر حاجتی دارد آن جا رفته دعا می‌کند، از سنی و شیعه؛ و اسم آن محل را «آستانه» گذارده‌اند. همه ساله در شب نیمه‌ی شعبان چراغان می‌کنند که از دور پیداست. «لوح محفوظ» را، که یکی از عجایب علمی است، وی در همان سرزمین تصنیف کرده است».

یادآوری می‌کنم که ضریح مبارک حضرت امام رضا (ع) - که اکنون بر آن مرقد ملکوتی قرار دارد - از آثار مرحوم آقای حافظیان است. ایشان حدود ۴۰ سال پیش، به فکر اقدام درباره‌ی تعویض ضریح قبلی - که فرسوده شده بود - افتاد، و سپس با کمک مردم معتقد پاکستان و کمک‌های آستان قدس رضوی و مردم ایران برای ساختن ضریح جدید اقدام کرد. و پس از اتمام کار ساختن ضریح مطهر، به وسیله‌ی هنرمندان اصفهانی و مشهدی، و انتقال دادن ضریح سابق به موزه‌ی آستان قدس رضوی، ضریح جدید نصب گردید، و به روز عید مبارک نیمه‌ی شعبان سال ۱۳۷۹ هجری قمری، از روی آن پرده‌برداری شد، و به بارگاه پر جلال امام ابوالحسن علی‌بن موسی الرضا (ع) جلوه‌هایی بیشتر بخشید. به یاد دارم که مرحوم آقای حافظیان، از این توفیق که نصیبش گشت و از این خدمتی که به این بارگاه ملکوتی و حرم روحانی انجام داد، بسیار شادمان بود و خدای متعال را شکر می‌گذارد.

آقای حافظیان، جریان سفر به قزوین و رسیدن به مرحوم سید موسی زرابادی را - اشاره‌وار - در ابیاتی ذکر کرده است. اینک مناسب است که به یاد آن بزرگان و وارستگان، شماری از آن ابیات در این جا آورده شود:

ای جوان! خدمت بزرگان کن
نفس اماره را به فرمان کن
بهر خدمت همیشه حاضر باش
گر قبولت کنند، شاکر باش
مجتبی شیخ عالم و استاد
صاحب معرفت، قرین سداد
واجد سرّ حکمت ایمان
اوستاد معارف قرآن
در جوار رضا (ع) به فیض خفی
گشته آگه ز حکمت رضوی
برگذشت از علوم عرفانی
وز رسوم و فنون یونانی

جان سوی مطلع حقایق داشت
سر به درگاه علم صادق (ع) داشت
بُد مربی به جمع اهل صفا
راه آموز سر مُلک بقا
روزگاری که یار من بودی
متوجه به کار من بودی
روزی از روی لطف و مرحمتی
بعد شرحی و مدح و منقبتی
گفتی از گفته های گاه و گاهی
که نگویند کسی به سال و مهی
حالیا یک سفر به قزوین کن
قلب پاکیزه را تو تزیین کن
بین چه دریای علم و فضل و کمال
واقف رازها ز قبل سؤال
راد مردی بزرگوار و علیم
صاحب نفس مطمئن و حکیم
چون رسیدم به خدمتش، حیران
شدم از آن فرشته انسان
در حقیقت نمونه ای ز امام
که رکوع و سجود و گه به قیام
من ز علمش کجا توانم گفت
خاصه زان علم ها که بود نُهفت

بگذرم از بیان حال او
نَدرم پرده مقال او
مَن و سلوی ز سفره اش خوردم
ظرف خود پُر نمودم و بردم

باید اشاره کنم که مرحوم آقای حافظیان، در «معارف اعتقادی» و «حقایق مبدئی و معادی» و «دریافتهای شریف روحانی»، به مراتب بسیار بالایی رسیده بود، که حاصل جوهر روحی قوی و استعداد ممتاز ایشان بود و نتیجهی درک محضر بزرگان، و سیر آفاق و انفس، و به‌ویژه عبادات و ریاضات شرعی و اذکار ختم‌هایی که، همواره و در همه‌ی احوال بدان‌ها اشتغال داشت، و خود دارای مشاهدت و تصرّفاتی بود بسیار با اهمیّت، که برخی از آن‌ها را، گاه‌گاه، برای دوستان - و از جمله این ناچیز - بیان می‌داشت. اموری مهم نیز خود اینجانب از ایشان مشاهده کرد و مطلع گشت. و در طول سالیان دراز - حدود ۵۰ سال - کسانی بسیار در مشهد و دیگر شهرهای ایران، و در هند و پاکستان و نقاط دیگری از جهان، از روحانیّت و ادعیه‌ی ایشان بهره‌مند گشتند، و مشکلاتی بسیار رفع گشت، و کارهایی سترگ رفت.

افسوس که جزئیات زندگی روحی و پر مضمون ایشان، و نوادر احوال و اعمال و خدمات، و سرگذشت سیرها و سیاحت‌های ایشان، تدوین نیافته است؛ خود چیزهایی مرقوم داشته‌اند، لیکن بسیار اندک است.

باری، ایشان نیز، در مبانی اعتقادی (مانند استاد خود سیّد موسی زرآبادی، و دوست خود شیخ مجتبی قزوینی خراسانی)، تفکیکی بودند، و در مراحل سلوک نیز مواظبت بر «سلوک شرعی» داشتند، و از «سلوک صناعی» بدور بودند، البته ایشان اهل تدریس و تألیف نبودند، و اشتغالات فراوانی که در ایران و پاکستان، در سایر شئون خویش داشتند، همه‌ی اوقاتشان را فراگرفته بود.

همت مرحوم آقای حافظیان مصروف خدمت به خلق بود. ایشان ریاضاتی را که کشیده بود، و علوم و کمالاتی را که کسب کرده و قدرت روحی را که - در پرتو عبادات و ریاضات شرعی و توسّلات و توجّهات - بدست آورده بود، با تواضع و فروتنی، در خدمت مردم قرار داده بود، و راه قرب به «خدا» را خدمت به «خلق خدا» می‌دانست. و در این راه بس نیرو می‌گذاشت، و صبوری می‌ورزید، و خوش‌رویی نشان می‌داد.

هفته‌ای دو روز (یکشنبه و چهارشنبه)، در خانه می‌نشست، و در خانه را باز می‌کرد، و هر کسی با هر شرایطی، می‌آمد و نزد ایشان می‌نشست و سخن دل خویش و مشکل زندگی خود - یا فرزندان و بستگان خود - را با ایشان در میان می‌نهاد. و آقا پس از شنیدن متواضعانه‌ی درد دردمند و مشکل گرفتار، به چاره‌ی آن می‌پرداخت، و بدون طمع و چشم‌داشت ادعیه‌ی لازم برای هر امر را - که خود تهیه می‌کرد، آن هم با کمال صحت و ظرافت - در اختیار مردم قرار می‌داد، و هرگاه دستورالعملی نیز ضرورت داشت، آن را می‌گفت و می‌آموخت. و چه بسیار کسان از آن دعاها و دستورها بهره‌مند گشتند و نتیجه گرفتند، و مشکل آنان - یا صد در صد یا در حدی قابل قبول - برطرف گردید؛ که این خود داستانی دراز دارد، و دریغاً که اشخاص و موارد، ثبت دفتری نگشته است. [۴]

آقای حافظیان در مورد آن چه می‌دانست و می‌توانست (که «توانا بود هرکه دانا بود»، و علوم و اسراری که از استادان بزرگ آموخته بود، دعاها، ختم‌ها و نسخه‌هایی که اجازاتی درباره‌ی آنها داشت و ریاضات آنها را کشیده بود (و برخی بسیار مهم بود)، به‌طور نوعی، مضایقه‌ای نداشت و اگر کسانی طالب و اهل و مستعد و عامل یافت می‌شدند می‌گفت و می‌آموخت. از همین‌رو کسانی از ایشان چیزهایی گرفتند و بهره‌هایی بردند.

باید اشاره کنم که روش ایشان - در اذکار و اشتغالات - روشی است کاملاً شرعی، و بدور از انحراف، و جدا از صوفیگری و امثال آن امور. مرحوم آقای حافظیان درباره‌ی استاد نخستین خود - یعنی مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی خراسانی - نیز با تأکید یاد می‌کردند که طریق ریاضات ایشان هم کاملاً شرعی بوده است و به هیچ جهتی گرایش نداشته‌اند.

و من این ذیل را آوردم تا گفته باشم که بزرگان یاد شده و شاگردانشان به یاد خلق خدا بوده‌اند و خدمت‌ها به مردم کرده‌اند و می‌کنند، و آنچه را بدست آورده بودند در راه راحت‌رسانی به خلق و گشودن گرهی از کار و روزگار افتادگان و مشکل‌داران گذاشته بودند و می‌گذارند. و بدین‌گونه بوده است آثار وجودی آنان رضوان الله علیهم اجمعین.

پانوشت

[۱]- حجة الاسلام، پژوهشگر کتتبع، صاحب آثار و تألیفات ارزشمند، آقای حاج شیخ عزیزالله عطاردی خوبشانی (قوچانی). در نوشتن زیستنامه‌ی آقای حافظیان، از برادر محترم ایشان، آقای حاج اکبر آقا حافظیان نیز یاری گرفتم.

[۲]- مرحوم حاج میرزا آقا حافظیان (م ۱۳۶۲ ق - ۱۳۲۲ ش)، از سادات بزرگوار و از صالحان و نیکان مشهد مقدس.

[۳]- یا سریناگار، پایتخت تاریخی کشمیر، در دو طرف رود «جهلم»، از مشهورترین و زیباترین بیلاقات مشرق زمین است - «دایرة المعارف فارسی».

[۴]- مواردی را اینجانب خود شاهد بوده‌ام، و برخی از آنها بسیار بسیار مهم بوده است.